

ارزیابی تأمین مسکن موقت در روستای چن‌سولی پس از سیل ۱۳۹۸ گلستان از منظر کفایت فرهنگی

عبدالمجید خورشیدیان*

۱۴۰۱/۰۴/۰۷

۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت مقاله:

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

تأمین مسکن موقت از مراحل مهم برنامه‌های بازتوانی پس از سوانح است که نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتوانی آسیب‌دیدگان دارد و تا پایان بازسازی مسکن دائم امکان ازسرگیری فعالیت‌های عادی زندگی را فراهم می‌سازد. اما غالباً برنامه‌های تأمین مسکن موقت با چالش‌های فراوانی رو به رو هستند و از جنبه‌های مختلفی از جمله کفایت فرهنگی با جامعه آسیب‌دیده موردن تقاضاد قرار می‌گیرند. این مطالعه با بررسی فرایند تأمین مسکن موقت در روستای چن‌سولی پس از سیل ۱۳۹۸ گلستان، که با رویکرد بهره‌گیری از معماری بومی به انجام رسیده است، به ارزیابی نقش کفایت فرهنگی بر موقعيت تأمین مسکن موقت و رضایتمندی ساکنین می‌پردازد. پژوهش حاضر باهدف شناسایی معیارهای کفایت فرهنگی مسکن موقت پس از سانحه از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای قوم‌نگارانه استفاده نموده است. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مشارکتی، ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌های میدانی بوده‌اند و انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند صورت پذیرفته است. ضمناً جهت اولویت‌سنجی معیارهای شناسایی شده و نیز سنجش صحت و اعتبار یافته‌ها، یک پیمایش کمی از ۱۰ متخصص بازسازی به انجام رسیده است. از مجموع بررسی‌ها ۲۱ معیار برای کفایت فرهنگی مسکن موقت شناسایی و در قالب ۷ مقوله دسته‌بندی شدند. یافته‌های مزبور نشان می‌دهد توجه به ویژگی‌های فرهنگی تأمین مسکن موقت تنها به فرم و ابعاد زیبایی شناسانه آن خلاصه نمی‌شود، بلکه باید مجموعه‌ای از منابع، مهارت‌ها، تکنولوژی، فرم و شکل، تعاملات اجتماعی - اقتصادی، سناریوهای استفاده بلندمدت و البته مشارکت ذی‌نفعان را مدنظر داشته باشد و با شناخت تنوع بهره‌برداران از لحاظ ویژگی‌ها، نیازها و ظرفیت‌ها بتواند شرایط آسایشی را بهبود ببخشد. درنهایت تأکید می‌شود، اگرچه تحقیق حاضر بر کفایت فرهنگی مسکن موقت متمرکز است، اما نتایج تحقیق نشان می‌دهد این هدف تنها با طراحی جداگانه واحدهای موقت حاصل نمی‌شود. ضمناً بعد فرهنگی از دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و محیط‌زیستی اسکان موقت جدا نیست و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و متقابلاً بر آن‌ها اثر می‌گذارد.

کلمات کلیدی: مسکن موقت، کفایت فرهنگی، سیل گلستان، آق‌قلا، چن‌سولی.

* استادیار، گروه معماری، دانشکده عمران، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، بابل، ایران. Abdolmajid.Khorshidian@nit.ac.ir

مقدمه

در سال ۲۰۲۱ سانحه سیل بیش از نیمی از سوانح در جهان را به خود اختصاص داده است (EM-DAT, 2022). خسارات بخش مسکن اصلی ترین عوایب سانحه سیل محسوب می‌شود که منجر به بی‌خانمانی تعداد قابل توجهی از ساکنین تا اتمام تعمیر یا بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده می‌شود (Félix et al., 2013). از این رو تأمین سرپناه اضطراری و مسکن موقت از اهمیت فراوانی برخوردار است (Barakat, 2003).

برنامه‌های تأمین مسکن موقت در بازتوانی و بازگرداندن شرایط جامعه آسیب‌دیده به حالت عادی نقش مهمی دارد (UNHCR, 2007; Chang et al., 2010)، اما از جنبه‌های ضرورت تأمین، هزینه، دوام، کفایت فرهنگی و صرف منابع بازسازی خانه‌های دائمی موردانتقاد قرار می‌گیرد (Biswas, 2019; Rafieian & Biswas, 2019; Asgary, 2013; Hadafi & Fallahi, 2010). از این رو تأمین مسکن موقت همچنان یک چالش بزرگ برای دست‌اندرکاران برنامه‌های بازتوانی پس از سانحه است (Biswas, 2019).

تجربیات گذشته نشان می‌دهد، برنامه‌های تأمین اسکان موقت پس از سانحه اغلب بر جنبه‌های کالبدی متمرکر هستند و متخصصان عمدتاً با دیدگاه عام به طراحی واحدهای موقت می‌پردازند (Félix et al., 2013) و الگوهای فرهنگی و شرایط زمینه‌ای آن نادیده گرفته می‌شود. گرچه مسکن بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی و کرامات انسانی است (Barakat, 2003) و دستورالعمل‌های متعددی بر اهمیت تناسب فرهنگی مسکن و حفظ کرامات انسانی اشاره داشته‌اند (UNHABITAT, 2014)، اما در شرایط اضطراری غالباً جنبه‌های فرهنگی کنار گذاشته می‌شود و مسکن موقت بدون توجه به نیازهای بازماندگان و فرهنگ آنان

احداث می‌شود (Sukhwani et al., 2021).

مقاله حاضر با هدف شناسایی ابعاد کفایت فرهنگی پس از سانحه و چگونگی تأثیر آن بر موفقیت تأمین مسکن موقت، به مطالعه تأمین مسکن موقت در روستای چن‌سولی پس از سیل ۱۳۹۸ گلستان از منظر تناسب فرهنگی می‌پردازد. تجربه مزبور نمونه‌ای منحصر به فرد بوده که با بهره‌گیری از معماری بومی منطقه آسیب‌دیده سعی در ارتقای موفقیت تأمین مسکن موقت داشته است.

ادیبات موضوع

پیشینه تحقیق

مجموعه انتشارات «سرپناه پس از سانحه» از مهم‌ترین مطالعات در زمینه تأمین سرپناه و مسکن پس از سانحه است. اولین نسخه این مطالعه مسائل مربوط به تأمین سرپناه را از دیدگاه بازماندگان سانحه بررسی می‌کند و بر لزوم توجه به سرپناه به عنوان یک فرایند و نه فقط یک محصول تأکید می‌نماید (UNDRO, 1982). نسخه بعدی پس از ۲۴ سال با بررسی تحولات و تغییرات اساسی در سرپناه و مسکن، همچنان به ضعف چشمگیر برنامه‌های بازسازی در تأمین سرپناه و مسکن شهری و تفاوت‌های بستر شهری و روستایی اشاره می‌نماید (UN-OCHA, 2006) و ضمن استفاده از تعییر سکونتگاه انتقالی^۱ برای اسکان در دوران ساماندهی، گزینه‌های تأمین سکونتگاه انتقالی برای گروه‌های جابه‌جاشده و جابه‌جانشده پس از سوانح را تحلیل می‌نماید (OCHA, ShelterCenter, & DFID, 2008). «سرپناه پس از سانحه» متعاقباً به بررسی راهبردهای متنوع تأمین سکونتگاه انتقالی و بازسازی مسکن پس از سانحه می‌پردازد و ضمن تأکید بر هماهنگی راهبردهای اسکان در مراحل مختلف مدیریت بحران، شیوه‌های امداد و تدارک منابع موردنیاز و

مسکن موقت باید به مجموعه‌ای از ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و زیست‌محیطی پاسخ دهد، ابعادی که از هم‌دیگر تأثیر متقابل می‌گیرند. لیکن این تحقیق با توجه به هدف و نیز ویژگی‌های نمونه موردمطالعه، عمدتاً بر ابعاد فرهنگی اسکان موقت متمرکز است.

اسکان موقت پس از سانحه

متعاقب رخداد سانحه سه دوره زمانی شامل امداد اضطراری، ساماندهی و بازسازی را در پی داریم (آیسان و دیوپس، ۱۳۸۵). متناسب با مراحل مذکور، با سه مرحله اسکان شامل سرپناه اضطراری، مسکن موقت و مسکن دائم مواجه هستیم (Peacock et al., 2017; Quarantelli, 1995; Johnson et al., 2006) اسکان در مقطع ساماندهی را به دو مرحله سرپناه موقت و مسکن موقت تقسیم کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی سرپناه به مکانی برای اقامت فوری اطلاق می‌شود، در شرایطی که فعالیت‌های جامعه دچار اختلال شدید شده است و مسکن مکانی برای بازگشت به فعالیت‌های عادی روزمره در نظر گرفته می‌شود (Sukhwani et al., 2021). در این تعریف، مسکن موقت برای مدت طولانی‌تری نسبت به سرپناه اضطراری و سرپناه موقت در نظر گرفته می‌شود و در فاصله اتمام مرحله امداد اضطراری تا پایان بازسازی خانه‌های دائمی امنیت، حفاظت، آسایش و حریم خصوصی را برای بازماندگان فراهم می‌سازد و به ساکنین اجازه می‌دهد تا فعالیت‌های معمول زندگی خود مانند کار و تحصیل را از سر گیرند (Félix et al., 2013). اگرچه مراحل مزبور همیشه از این الگو پیروی نمی‌کند. به صورتی که با توجه به شرایط، مرحله اسکان موقت می‌تواند حذف گردد و اسکان از سرپناه اضطراری مستقیماً به مسکن دائم منتقل می‌شود و یا در فرایندی تدریجی مسکن موقت به

روش‌های اجرا و نظارت را موردنوجه قرار می‌دهد (DFID & Shelter center, 2010) و در مقایسه با رویکرد چندمرحله‌ای اسکان پس از سانحه^۲، سکونتگاه انتقالی را فرایندی تدریجی^۳ در چرخه پاسخ به سانحه^۴ از زمان رخداد تا پایان بازسازی می‌بیند (Sheltercenter & DFID, 2012). نسخه ۲۰۱۵ این کتاب ضمن حفظ ساختار نسخه اول در سال ۱۹۸۲ رویکردهای جدید ایجادشده را منعکس می‌کند و به تداوم عملکرد ضعیف در تأمین سرپناه و مسکن پس از سانحه طی این سال‌ها اذعان دارد و بر لزوم نگرش به تأمین سرپناه و مسکن از دیدگاه آسیب‌دیدگان و نه از دیدگاه تأمین‌کنندگان کالا و خدمات تأکید می‌نماید (IFRC & OCHA, 2015).

مطالعات فراوان دیگری نیز به موضوع تأمین مسکن موقت پس از سانحه، راهبردها و گرینه‌های تأمین و چالش‌های پیش روی آن پرداخته‌اند (Davis & Alexander, 2016; Jha et al., 2010; Johnson, 2007). گرچه در مطالعات مزبور بر لزوم کفایت فرهنگی مسکن موقت تأکید شده است، اما غالباً بر جنبه‌های کالبدی اسکان شامل نوع طراحی، انتخاب سایت، تأمین منابع، مدیریت هزینه‌ها و عملیات اجرایی متمرکز هستند و موضوع کفایت فرهنگی اسکان موقت به اندازه کافی موردمطالعه قرار نمی‌گیرد. در این زمینه سوخوانی و همکاران (۲۰۱۲) اشاره دارند که با توجه به عدم قطعیت‌های مقطع پس از فاجعه، اغلب به ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی توجه کافی نمی‌شود.

مبانی نظری

برای تدوین یک پایه مفهومی جهت مطالعه نمونه موردنی، ابتدا مفهوم اسکان موقت پس از سانحه موردنرسی قرار گرفته است و در ادامه اصول کفایت مسکن موقت و اهمیت تناسب فرهنگی آن با شرایط جامعه آسیب‌دیده بیان شده است. لازم به ذکر است که

اسکان دائمی آسیب‌دیدگان تبدیل می‌گردد که از آن به سرپناه انتقالی^۵ تعبیر می‌شود (Sheltercenter & DFID, 2012; Davis & Alexander, 2016 مدیریتی تأمین مسکن موقت می‌تواند به صورت تأمینی^۶ Davis & Alexander, 2016) و یا خودجوش^۷ به انجام بررسد (Alexander, 2016)، و از لحاظ ساختاری شکل‌های مختلفی مانند واحدهای آماده و قابل مونتاژ در محل می‌تواند به بازماندگان اهداء شود و یا با استفاده از منابع موجود در منطقه آسیب‌دیده احداث گردد (Félix et al., 2013).

کفایت فرهنگی اسکان موقت

کفایت فرهنگی یکی از اصول کلیدی مسکن محسوب می‌شود (UNHABITAT, 2014). موضوعی که در میان چالش‌های گسترده تأمین مسکن پس از سانحه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد (Sukhwani et al., 2021) و اهمیت نیازهای بهره‌برداران، تنوع جامعه محلی، معماری بومی و ارزش‌های فرهنگی به دلیل رویکرد بالا به پایین برنامه‌ریزی به حاشیه رانده می‌شود (Félix et al., 2015; Rathnasinghe et al., 2021) راه حل‌های تأمین مسکن موقت پس از سانحه با هدف تسريع فرایند اسکان و کاهش هزینه‌ها غالباً بر جنبه‌های فنی مانند استانداردسازی و تولید انبوه واحدها متمرکز است. این امر منجر به نادیده گرفتن نیازهای واقعی بهره‌برداران و ارزش‌های فرهنگی می‌گردد که انتظارات Félix et al., 2013 آسیب‌دیدگان را برآورده نمی‌سازد (در حالی که در دوران ساماندهی نگرانی‌های مهمی در زمینه اختلالات اجتماعی، اقتصادی، روحی و روانی وجود دارد که تناسب فرهنگی مسکن می‌تواند به تقلیل آن‌ها کمک نماید (Hadafi & Fallahi, 2010). یکی از بهترین شیوه‌های به کار گرفته شده، احیای مسکن محلی است که در تجربه اسکان پس از سانحه

چون زلزله ۲۰۰۴ چوتسوی ژاپن به انجام رسیده است که موجب ارتقای کیفیت مسکن و رضایت ساکنین شده و امکان سکونت بلندمدت را فراهم ساخت است (Maly & Iwata, 2019).

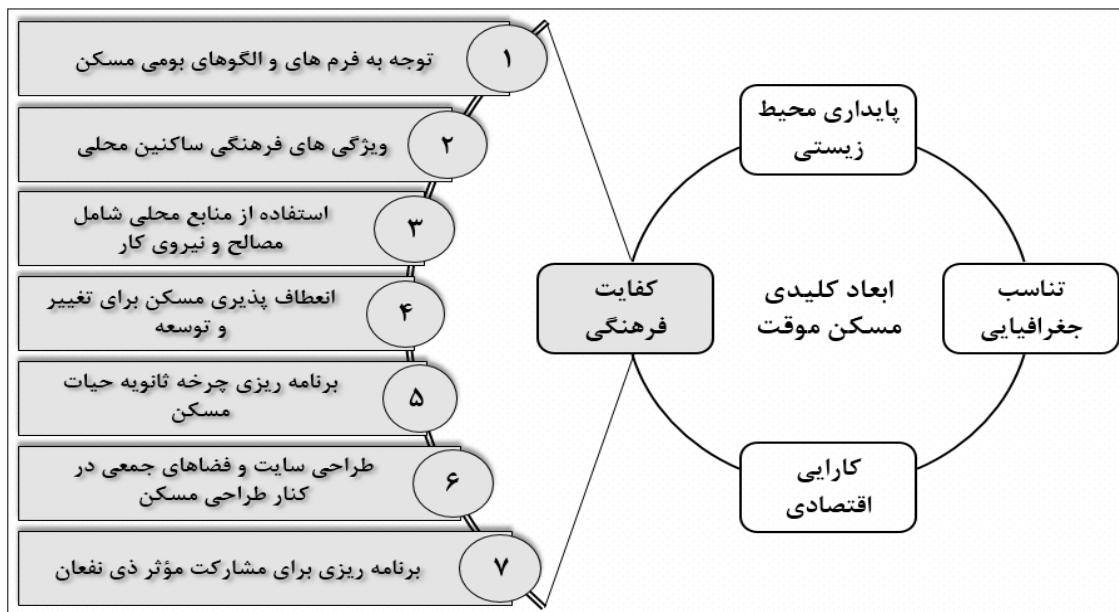
فلیکس و همکاران (۲۰۱۳) ضعف‌های یادشده را ناشی از تصورات نادرست شرایط زندگی بازماندگان، ناآشنای با شرایط واقعی محلی، نادیده گرفتن ظرفیت‌های محلی، و تمرکز بر رویکردهای فنی اسکان موقت می‌دانند که منجر به تضعیف رویکرد پایدار فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی مسکن می‌گردد. از بررسی ادبیات نظری اصول و راهبردهایی قابل شناسایی است که می‌تواند بر ضعف‌های مزبور غلبه نماید؛

- الگوهای بومی مسکن: توجه به فرم‌ها، نمادهای بومی جهت ایجاد محیطی که از نظر فرهنگی برای ساکنین بیگانه نباشد، در برآورده ساختن انتظارات ساکنین نقش مهمی دارند (Johnson, 2007; Barakat, 2003; Hayles, 2010).

- ویژگی‌های محلی: درک دقیق زمینه و توجه به تنوع ذی‌فعان از نظر پیش‌زمینه فرهنگی، باورها و ارزش‌های فرهنگی، ظرفیت‌ها و امکانات در تأمین مسکن موقت، الگوی سکونت و امراض معاش (Félix et al., 2013; Javanforouzande, et al., 2020).

- استفاده از منابع محلی: شامل مصالح، تکنیک‌های ساخت و نیروی کار بومی که علاوه بر کاهش هزینه‌ها، می‌تواند در انسجام فرهنگی، ارتقای مشارکت، سهولت تعمیر و نگهداری آتی مسکن کمک نماید (Barakat, 2015; Félix et al., 2003; Félix et al., 2015). این امر به معنای نفی به کارگیری تکنولوژی جدید در تأمین مسکن موقت نیست. درصورتی که راهکارهای فناورانه به درستی معرفی شوند و از نظر فرهنگی با شرایط محیطی یکپارچه شود می‌تواند نقش قابل توجهی در ارتقای

- است (Rathnasinghe et al., 2021).
- طراحی سایت و فضاهای جمعی: برای تأمین محرمیت و نیز تقویت تعاملات اجتماعی است (Sukhwani et al., 2021; Félix et al., 2015).
 - مشارکت جمعی: به عنوان عامل حیاتی برای ارتقای نتایج تأمین مسکن موقت (Sukhwani et al., 2021) است. گرچه در تمام مراحل اسکان، مشارکت تمامی ذی نفعان ضرورت ندارد (Davidson et al., 2007).
 - تصویر شماره ۱، ابعاد اصلی تناسب فرهنگی مسکن موقت پس از سانحه را به عنوان چهار چوب مفهومی تحقیق نشان می دهد.
- راه حل های اسکان و کاهش آسیب پذیری ساکنین داشته باشد (Davidson et al., 2008).
- انعطاف پذیری در طراحی: تا امکان تغییر و توسعه مسکن با توجه به نیازهای کاربران وجود داشته باشد.
 - شخصی سازی فضاهای می تواند در ارتقای حس تعلق ساکنین به مسکن کمک نماید (OCHA, Sheltercenter, & DFID, 2008; Félix, et al., 2013).
 - چرخه ثانویه حیات مسکن موقت^۱: پیش بینی چگونگی استفاده از مسکن موقت پس از اتمام طول عمر مورد انتظار آن در دوران ساماندهی با در نظر گرفتن نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه آسیب دیده



ت ۱. ابعاد اصلی کفایت فرهنگی مسکن موقت پس از سانحه

آسیب دیده به عنوان نمونه موردی در این تحقیق انتخاب شده است. بررسی ابعاد فرهنگی تأمین مسکن موقت در این منطقه به عنوان یک نمونه خاص می تواند برای یک نتیجه گیری گسترده تر برای مناطقی با ویژگی های مشترک مورد استفاده قرار گیرد (Bryman, 2012).

اصحابهای کیفی و مشاهده مشارکتی به عنوان

روش تحقیق

تحقیق حاضر با هدف شناسایی ابعاد کفایت فرهنگی تأمین مسکن موقت پس از سیل از رویکرد نمونه موردي استفاده می نماید. روستای چنسولی به دلیل تأمین مسکن موقت با رویکرد بهره گیری از معماری بومی با هدف ارتقای تناسب فرهنگی اسکان با جامعه

تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌های میدانی انتخاب شده‌اند. مصاحبه‌های کیفی به صورت نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ خانوار آسیب‌دیده به انجام رسیده است. انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند شامل نمونه‌گیری نظری و هدفمند عام صورت پذیرفه است.

در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای قوم‌نگارانه استفاده شده است که تکنیکی برای تحلیل داده‌های کیفی و ساخت معنا در متن مصاحبه‌ها و تصاویر با تأکید بر نقش محقق است. این روش بر پیدایش مقولات از داده‌ها و تشخیص اهمیت آن‌ها برای درک معنا در زمینه مورد مطالعه تأکید دارد (Bryman, 2012: 291). در این روش، تحلیل بر اساس ابعادی انجام می‌پذیرد که در ارتباط با مسئله تحقیق از بازبینی ادبیات موضوع استخراج شده‌اند (همان). ابعاد مزبور در مرحله جمع‌آوری داده‌ها، محور پرسش‌های مصاحبه‌ها بوده و در مرحله تحلیل داده‌ها محور انتخاب و کدگذاری پاسخ‌ها بوده‌اند که به تفسیر و توضیح آن‌ها کمک می‌نمودند. در ادامه، نتایج حاصل از تحلیل محتوای داده‌های کیفی از طریق دریافت بازخورد از ۱۰ متخصص بازسازی سنجش کمی قرار گرفته است. این امر علاوه بر اولویت سنجی ابعاد کفایت فرهنگی مسکن وقت، به اعتباربخشی نتایج تحقیق کمک نموده است. همچنین «مشارکت بلندمدت»، «مشاهده مصرانه در میدان» و «همه‌جانبه نگری^۹» در مأخذ و تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها از دیگر راهبردهای تحقیق بوده است که به اعتبار نتایج تحقیق کمک کرده و «توصیف پرمایه و غنی فرایند پژوهش» انتقال‌پذیری نتایج را امکان‌پذیر ساخته است (کرسول، ۱۳۹۴: ۲۴۷).

معرفی نمونه موردي

روستای چن‌سولی متعاقب بارندگی‌های شدیدی که از ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ آغاز شده بود، در اثر طغیان رودخانه

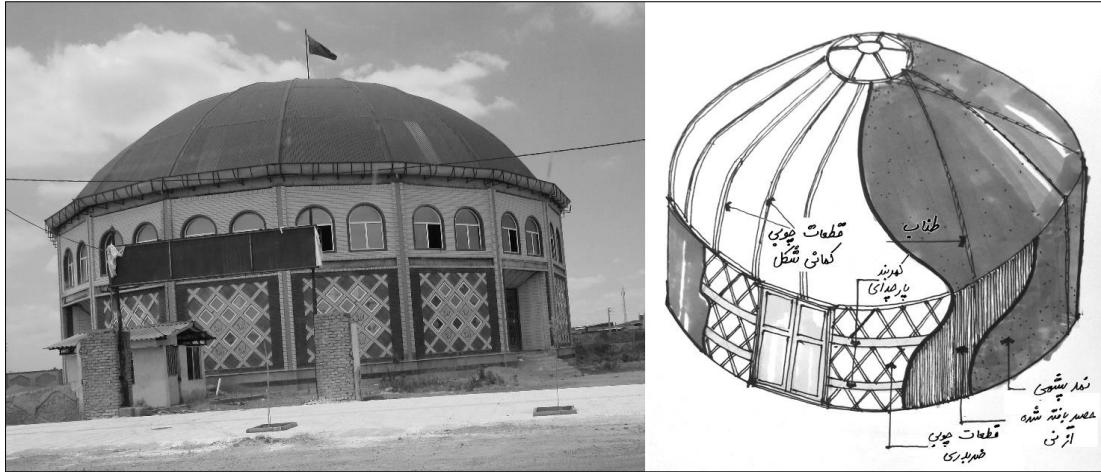
گرگان رود دچار سیل و آب‌گرفتگی شد. تخریب مراتع و جنگل‌ها، فرسایش خاک به سبب روش‌های غیراصولی کشاورزی از عوامل افزایش خطر سیل در این منطقه بوده است که با بارش‌های سنگین منجر به سانجه سیل در پهنه وسیعی از جلگه نسبتاً هموار گردید. با توجه به غیرقابل سکونت شدن خانه‌ها در اثر آب‌گرفتگی، تعداد زیادی از ساکنین توسط نیروهای امدادی از منطقه تخلیه شدند.

پس از فروکش کردن سیلاب و اتمام دوران اضطراری، دولت و گروه‌های امدادی تصمیم به تأمین مسکن موقت برای خانوارهایی گرفتند که مسکن آن‌ها بر اثر سیلاب آسیب جدی دیده بود و به تعمیر اساسی یا بازسازی نیاز داشتند. در روستای چن‌سولی در کنار مساکن موقت دولتی، گروهی از خیرین تصمیم به تأمین مسکن موقت با استفاده از آلاقچیق‌های سنتی ترکمن گرفتند. ساکنین روستای چن‌سولی غالباً از قوم ترکمن بوده و در گذشته نه چندان دور در آلاقچیق‌هایی که به زبان محلی آق-اوی خوانده می‌شد، زندگی می‌کردند. آلاقچیق ترکمن از نظر اجزاء و نحوه احداث در گذشته با زندگی کوچ‌نشینی و نحوه معيشت ترکمن‌ها همخوانی داشت (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۷۸)، لیکن امروزه با یکجانشینی و تغییر شیوه زندگی قوم نامبرده کمتر به عنوان مسکن مورداستفاده قرار می‌گیرد. گرچه الگوی مزبور همچنان در میان ترکمن‌ها از محبوبیت زیادی برخوردار است.

بنای ذکر شده دارای اسکلت چوبی با پوشش حصیر است و شکل مدور آن به پایداری اجزاء کمک می‌کند. پوشش نهایی سقف و دیوارهای از نمد پشمی است که از آن در برابر سرمای زمستان، باد و باران محافظت می‌کند. در فصل گرما برداشتن پوشش نمد دیوارهای، به جریان هوا، به تهويه و خنکی فضای داخلی کمک می‌نماید (تصویر شماره ۲). در روستای چن‌سولی

واحدها، قطعات چوبی با قوطی فولادی، و نمد پشمی با پارچه برزنت جایگزین گردید.

جهت اسکان موقت آسیب دیدگان سیل مجموعاً ۳۵ واحد موقت با این الگوی ساخته شد. در ساخت این



ت ۲. شماي کلي آلاچيق سنتي تركمن و استفاده از الگوي آن در ساخت مسجد در آق قلا

موردمطالعه کشف، تفسير و ساختاربندی شده است. در اين فرایند علاوه بر پاسخ گويي به برخى از چالشها، بعد جديداً تامين مسكن موقت در منطقه کشف شده و به تكوين چهارچوب نظری کفايت فرهنگي مسكن موقت در روستاي چن سولى کمک كرده است.

ياfتهها

با تحليل محتواي داده های حاصل از مطالعات ميداني، کدھا و داده های خام در قالب مفاهيم و مقولات دسته بندی شدند (جدول شماره ۱). بدین طريق ابعاد کفايت فرهنگي مسكن موقت در بستر منطقه

ج ۱. کدھا، مفاهيم و مقولات پژوهش

مفهوم	مفهوم	مفهوم
فرم مسكن	مساحت فضا	الگوي مسكن يومي
آسایش اقلیمي	تناسب با نیازهای ساکنین	حس مکان
مصالح مورداً استفاده	«آن اگر پخواهید نمدش بگرید ۲ میلیون می شود، موکت هم جواب نمی دهد و جلوی باران را نمی گیرد»	کفایت فرهنگي مسكن موقت
پیش‌زمینه ذهنی	«در انتخاب آلاچيق خودمان گفتم کانکس نمی خواهیم و از آلاچيق راضی تر بودیم چون این برای ما خوب است»	
احساس تعلق به آلاچيق	«ما این آلاچيق را نگه می داریم جون دوستش داریم»	
آسایش روحی	«آلاچيق برای ما خوب است چون آسایش بخوب است»	
سایقه سکوت در آلاچيق	«چون از قدیم داخل خانه ها بودیم ما این را نگه داشتیم»	
بالا رفتن انتظارات	«چرا کمک های بعدی نیامد؟»	
عدالت	«به همه موکت و پیچجال و گاز داد فقط به من نداد»	
حفظ کرامت نفس	«این آلاچيق را که به ما هدیه دادند، گفتند با وسایلش هدیه بدهید. نمی دانم فرش و پیچجال و پنکه ... اما ندادند»	
امنیت و محرومیت	«از نظر من اصلاً اینمی ندارد خیلی ارتفاعش کم است و اگر سیل بیاید آب دویاره می آید داخل»	تامين امنيت
ایمنی در برابر سوانح	«سرمیس فقط در حیاط می سازم و در داخل خانه نخواستیم»	
چنانمایي فضاهای در سایت	«جای آلاچيق را از ما پرسیدند که کجا می گذارید، مشورت کردند»	
مکان یابی بر اساس نظر خانوار	«در ساخت این آلاچيق خیلی کار کردم کلاً خودم عین یک مرد کار کردم «آلاچيق اهدایی بود و ما هیچ کاری نکردیم»	مکان یابی
زمینهه مشارکت	«ما که تنواستیم نظر بدیم خوشان می ساخته و نظری نمی پرسیدند»	مشارکت جمعی
سطح مشارکت		

«حضرت و بزرگتر را برداشتیم، رایتیں بستیم و رویش را بنز کردیم، استراکچر فلزی داخلی هست ولی دورش آجرچینی شده»	مسکن انتقالی	چرخه ثانویه حیات مسکن	
«می خواهم بفروشمن و خانه‌ام را تکمیل کنم. ۱۲-۱۳ میلیون می خرند»	قابلیت فروش		
«به عنوان آشپزخانه استفاده می کنیم» «اگر خانواده‌ای این را نداشته باشد اجاره می کنند و چند روز هم که شده مراسم عروسی را در این خانه برگزار می کنند»	استفاده مجدد		

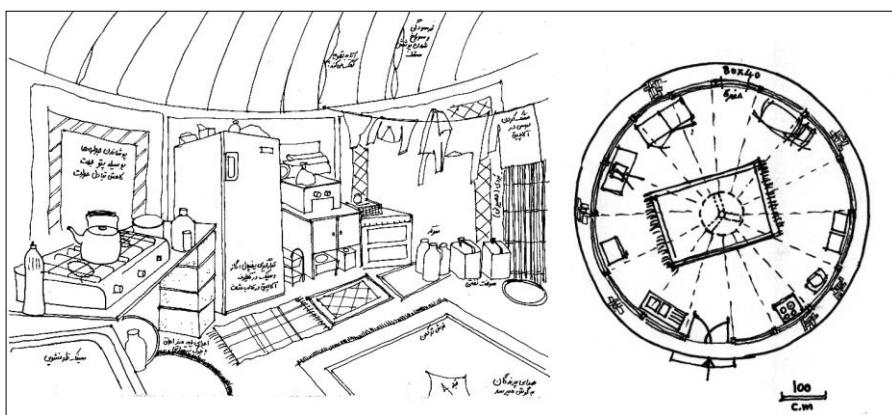
بحث

الگوی مسکن بومی

انتخاب آلاچیق بومی ترکمن (آق اوی) به عنوان اسکان موقت با توجه به ویژگی‌های ذاتی آن با هدف برپایی موقت با اجزای سبک که به سادگی قابلیت برپایی و برچیدن داشته باشد، انتخاب هوشمندانه‌ای بوده است، لکن در برخی ابعاد دارای محدودیت‌هایی بوده است. به عنوان مثال پلان دایره‌ای شکل آن مورد استقبال همه خانوارهای ساکن قرار نگرفت. به طوری که تعدادی از پاسخ‌گویان شکل مربعی مسکن، حتی در قالب کانکس یا انبار، را ترجیح می‌دادند. این امر می‌تواند به سابقه سکونت آنان در آلاچیق بستگی داشته باشد. با توجه به یکجاشینی قوم ترکمن در حال حاضر، آلاچیق‌های بومی کمتر به عنوان مسکن مورد استفاده قرار گرفته و بهره‌گیری از آن به کاربری جانبی به عنوان فضای نیمه‌باز در سایت، یا برگزاری مراسم سنتی از جمله ازدواج محدود شده است. از این‌رو، خانوارهای آسیب‌دیده در چگونگی مبلمان در فرم گرد مسکن با مشکل مواجه بوده‌اند (تصویر شماره ۳).

اهمیت مفاهیم حاصل از کدگذاری باز و محوری، در مرحله کمی تحقیق توسط متخصصین خبره در زمینه تأمین مسکن موقت مورد تأیید قرار گرفت. به طوری که میانگین اهمیت تمامی مفاهیم در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت در محدوده مهم یا خیلی مهم قرار گرفتند. مقایسه نتایج آماری نشان می‌دهد موارد زیر به ترتیب مهم‌ترین عوامل ارتقای کفايت فرهنگی هستند:

- حفظ کرامت نفس بازماندگان در نحوه ارائه کمک به اسکان موقت؛
- رعایت عدالت در ارائه کمک به اسکان؛
- تأمین امنیت و محرومیت؛
- تأمین آسایش روحی و روانی؛
- تأمین آسایش اقلیمی؛
- احساس تعلق به آلاچیق؛
- ایمنی مسکن موقت در برابر سوانح؛
- تناسب فرم فضای داخلی با نیازهای ساکنین؛
- پیش‌زنی ذهنی نسبت به فرم و الگوی مسکن؛
- سابقه سکونت در آلاچیق.



ت ۳. نمونه‌ای از مبلمان و نحوه چیدمان وسایل در پلان دایره‌ای اسکان موقت

کسانی که سابقه زندگی در آلاچیق ترکمن را داشته‌اند و از یک پیش‌زمینه ذهنی نسبت به آن برخوردار بوده‌اند. این احساس به اذعان برخی پاسخ‌گویان «آسایش روحی» را برای آن‌ها تأمین نموده است. ویژگی‌های مذکور منجر به تقویت حس مکان در این خانوارها شده و عاملی برای حفظ مسکن موقت خود، علی‌رغم امکان فروش، شده است. در مواردی با تغییر و بهسازی اجزای آن، به عنوان یکی از فضاهای اصلی مسکن دائم مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر شماره ۵).

شیوه کمک به اسکان

کمک‌های خیرین برای حمایت از اسکان آسیب‌دیدگان ناشی از سیل، می‌تواند پیامدهای منفی نیز به همراه داشته باشد. در میان خانوارهای موردمطالعه نوعی احساس بی‌عدالتی قابل درک بوده است. تفاوت در نوع اسکان، اهدای برخی از اجزای سازنده آن مانند موکت و یا وسایل زندگی از جمله گاز و یخچال از مهم‌ترین دلایل نارضایتی ساکنین در این زمینه بوده است. همچنین پاسخ‌گویان به دلیل تفاوت در شرایط خانوار از نظر نوع و میزان خسارت ناشی از سیل، تعداد اعضاء و شکل خانوار (منفرد یا گستردگی)، آسیب‌پذیری ناشی از بیماری یا سالم‌نندی، ارائه کمک‌های برابر را عادلانه نمی‌دانستند.

از دیگر تبعات کمک‌های خیرین، بالا رفتن انتظارات آسیب‌دیدگان بوده است. به‌طوری‌که علی‌رغم ازسرگیری جریان عادی زندگی پس از دو سال از وقوع سیل، برخی از آنان انتظار تداوم دریافت کمک‌های بشردوستانه را داشتند. این امر می‌تواند پیامدهای منفی فرهنگی مانند تضعیف کرامت نفس ساکنین را به دنبال داشته باشد.

تأمین امنیت

غالب پاسخ‌گویان از احساس امنیت و محرومیت

اما مهم‌ترین عامل نارضایتی ساکنین از مساکن موقت، شرایط حرارتی آن بوده است، به‌گونه‌ای که غالباً پاسخ‌گویان آن را از فرط گرما در تابستان و سرما در زمستان غیرقابل سکونت دانسته‌اند. تغییر مصالح اصلی آلاچیق مانند چوب به عنوان سازه اصلی و نمد به عنوان پوشش نهایی سقف و جدارهای، با مصالحی چون قوطی فلزی و پارچه برزنی مقاومت حرارتی اجزای آلاچیق را تا حد زیادی کاهش داده و منجر به ایجاد شرایط نامطلوب حرارتی در فضای داخلی گردید. دیوارچینی اطراف آلاچیق یا اندودکاری دیوارهای با کاهگل مهم‌ترین اقدامات ساکنین جهت تقلیل مشکل مزبور بوده است. مشکلی که طبق اظهارات ساکنین نسبت به شکل و فرم مسکن موقت از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است (تصویر شماره ۴).



ت ۴. استفاده از اندود کاهگل جهت افزایش مقاومت حرارتی دیواره آلاچیق

حس مکان

اظهارات مصاحبه‌شوندگان بیانگر احساس تعلق بسیاری از ساکنین بومی به آلاچیق ترکمن است. اما تحلیل پاسخ‌ها و مقایسه ویژگی‌های خانوارها نشان می‌دهد این حس عمدتاً در میان افراد مسن وجود دارد؛

مساکن موقت ابراز رضایت داشته‌اند. این امر علاوه بر الگوی تأمین مسکن موقت به صورت منفرد در مجاورت مسکن پیشین، به عوامل دیگری چون شرایط جامعه پیش از سانحه سیل و مقیاس روستایی سکونتگاه مورد مطالعه بستگی داشته است.

در زمینه بررسی احساس ساکنین از ایمنی واحدهای موقت در برابر سوانح، غالب پاسخ گویان رخداد دو سانحه سیل و زلزله را محتمل دانسته که با توجه به سبکی اجزای آلاچیق، آن را نسبت به خانه‌های دائمی خود در برابر زلزله ایمن‌تر دانسته‌اند. اما با توجه به تجربه سیل اخیر و بالا آمدن آب تا ارتفاع یک متری از سطح زمین، آسیب‌پذیری واحدهای موقت را در برابر سیل را غالباً زیاد ارزیابی کرده‌اند.

مکان‌یابی اسکان موقت

باتوجه به شرایط سانحه سیل و دسترسی به زمین



ت.۵. تکمیل اسکان موقت و استفاده به عنوان مسکن دائم

به طوری که بسیاری از زوج‌های جوان، علاقه‌مند به آغاز زندگی مشترک در این فضا، حتی برای مدت کوتاهی، هستند. احساس تعلق به این فضا امکان تعمیر و نگهداری و استفاده از آن به عنوان فضای جانبی مانند اتاق، آشپزخانه و یا استفاده مقطعي در ساعتی از شبانه‌روز، مانند خواب در شب را فراهم ساخته است.

در صورت برنامه‌ریزی می‌توان آن را به عنوان مسکن

حیات ثانویه مسکن موقت استفاده از مسکن موقت پس از مقطع ساماندهی، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و محیط‌زیستی، دارای ابعاد فرهنگی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، انتخاب آلاچیق سنتی ترکمن از ظرفیت‌هایی برای استفاده مجدد برخوردار بوده است. بهره‌گیری برای برگزاری مراسم سنتی ازدواج از مهم‌ترین جاذبه‌های آن است.

انتخاب الگوی مسکن موقت و فرم فضایی آن، تکنولوژی ساخت، نحوه چیدمان و سایل زندگی، اجزای معماری مانند بازشوها و مصالح سازنده جهت تأمین آسایش اقلیمی، بهره‌گیری از منابع و مهارت‌های بومی جهت ارتقای کارایی مسکن و تسهیل تعمیر و نگهداری، تقویت حس مالکیت پرروزه، شناخت تنوع ساکنین از نظر سابقه سکونت و ذهنیت نسبت به فرم‌های بومی، ارزیابی دقیق خسارات و نیازهای آسیب‌دیدگان جهت تدوین شاخص‌های ارائه عادلانه کمک‌ها، آموزش و ارتقای آگاهی ساکنین در زمینه مهارت‌های ساخت، مکان‌یابی صحیح اسکان و تدوین روابط صحیح عملکرد آن نسبت به دیگر اجزای سایت، و توسعه گزینه‌های استفاده مجدد از مسکن موقت، همگی منوط به مشارکت فعال ذی‌نفعان مرتبط با هریک از اهداف مذکور است. ضمناً به منظور ارتقای ظرفیت مشارکت کنندگان، از نظر دانش، مهارت و توان جسمی و روحی، تسهیلگری مشارکت و تأمین منابع موردنیاز ضروری است.

نتیجه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، توجه به ویژگی‌های فرهنگی تأمین مسکن موقت موضوعی پیچیده بوده و تنها به فرم مسکن موقت و ابعاد زیبایی‌شناسی آن خلاصه نمی‌شود. بلکه باید مجموعه‌ای از منابع موردنیاز، مهارت‌های ساکنین، سیستم ساخت، مکان‌یابی، طراحی سایت، تعاملات اجتماعی - اقتصادی، سناریوهای استفاده در درازمدت و البته مشارکت دخیلان را در نظر بگیرد و با شناخت جامعه آسیب‌دیده و تنوع بهره‌برداران از لحاظ ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و نیازها بتواند به بهبود شرایط آسایشی بازماندگان و درنهایت تسريع بازتوانی آنان کمک نماید. گرچه پژوهش حاضر بر اساس هدف، بر کفایت

انتقالی در نظر گرفت و سکونت از حالت موقت به دائم تبدیل گردد. در یکی از نمونه‌های مورد مطالعه، ساکنین با تعمیر یا تعویض اجزاء و مصالح، آن را به مسکن دائمی تبدیل نمودند (تصویر شماره ۵). این امر علاوه بر تعلق فرهنگی ساکنین به فرم بومی مسکن، به توانایی مالی خانوار، دانش و مهارت تعمیر و نگهداری ساختمان نیز بستگی دارد. به طوری که در نمونه‌های متعددی، ساکنین علی‌رغم ابراز علاقه به تکامل مسکن موقت و استفاده دائمی از آن، به دلیل محدودیت‌های مالی قصد فروش و استفاده از منابع حاصل از آن در بازسازی خانه دائمی داشته‌اند. گرچه قابلیت فروش مسکن موقت خود ظرفیتی برای استفاده مجدد از منابع استفاده شده و تأثیر دائمی آن در زندگی خانوارهای آسیب‌دیده محسوب می‌شود.

مشارکت جمعی

بررسی مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد که مشارکت خانوارهای آسیب‌دیده در تأمین مسکن موقت، به‌غیراز انتخاب مکان استقرار واحدها، به امور ساده‌ای چون کارگری در فرایند اجرا محدود بوده و در مواردی اساساً هیچ کاری توسط ساکنین به انجام نرسیده است. عدم دریافت نظرات ساکنین در مورد نوع اسکان موقت، تصمیم‌گیری در انتخاب شکل و طرح، مصالح و اجزای سازنده آن نشان می‌دهد از میان سطوح مشارکت^{۱۰}، غالب مراحل پرروزه تأمین مسکن موقت در سطوح پایین از جمله اطلاع‌رسانی به انجام رسیده است. در حالی که بسیاری از اهداف تأمین مسکن موقت تنها با مشارکت فعال بهره‌برداران در سطوح مقتضی در هر یک از مراحل برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی قابل حصول است. اهدافی که در ابعاد مختلف ویژگی‌های فرهنگی اسکان موقت بیان گردید، غالباً بدون مشارکت مؤثر ذی‌نفعان امکان‌پذیر نیست.

فرهنگی مسکن موقت متمرکز است، لکن نتایج تحقیق نشان می‌دهد اولاً این هدف تنها با طراحی واحدهای منفرد اسکان حاصل نمی‌شود و دوماً بعد فرهنگی تأمین مسکن موقت از دیگر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و زیستمحیطی اثر می‌پذیرد و متقابلاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این مسئله در نمونه‌های موردمطالعه در زمینه کارابی اقلیمی مساکن موقت مشهود بوده است. به‌طوری که شرایط نامطلوب آسایش حرارتی مساکن موقت، منجر به عدم سکونت آسیب‌دیدگان در آن گردید و تمہیدات آنان برای تقلیل مشکل مزبور چندان مؤثر نیافتاد و موجب نارضایتی ساکنین گردید. این امر دیگر ظرفیت‌های فرهنگی - هویتی مساکن موقت تأمین شده مانند احساس تعلق ساکنین به آلاقچیق بومی و امکان توسعه و تکامل تدریجی آن را تحت الشعاع خود قرار داد.

بر این اساس تأمین مسکن موقت باید با دیدی وسیع تر و در مقیاس سکونتگاه موقت صورت پذیرد که علاوه بر واحدهای اسکان، به ازسرگیری فعالیت‌های اقتصادی بازماندگان کمک نماید و موجب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی نیز گردد. لذا در کنار محصول نهایی، فرایند تأمین مسکن موقت از اهمیت فراوانی برخوردار است. فرایندی که بتواند با در نظر داشتن نیازها و ظرفیت‌های جامعه آسیب‌دیده، حمایت‌های مقتضی را به‌طور عادلانه -ونه لزوماً برابر- به بازماندگان اختصاص دهد تا علاوه بر حفظ کرامت نفس آنان، از بالا رفتن انتظارات جلوگیری نماید.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در نمونه موردمطالعه استفاده از آلاقچیق سنتی ترکمن به عنوان مسکن موقت، می‌تواند به افزایش سطح رضایتمندی آسیب‌دیدگان کمک نماید. اما این راهبرد در وهله اول باید به تفاوت خانوارها از نظر پیش‌زمینه فرهنگی و سابقه سکونت آنان

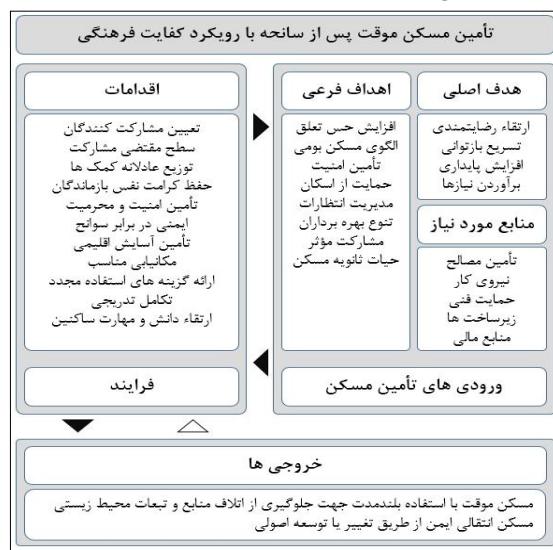
توجه داشته باشد تا بتواند بر تقویت حس مکان و سلامت جسمی و روانی بهره‌برداران تأثیر بگذارد. در این زمینه تفاوت معناداری بین خانوارهای موردمطالعه در نحوه استفاده و رضایتمندی از فرم آلاقچیق سنتی دیده شد. جهت تقلیل مشکل مزبور باید رویکردی اتخاذ شود که انعطاف‌پذیری طرح‌ها به بهره‌برداران اجازه دهد با ایجاد اصلاحات و تغییرات در مسکن موقت، نیازها و انتظارات خود را برآورده سازند. این امر نفی کننده استانداردسازی طرح‌ها، که معمولاً با هدف صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌ها موردتوجه برنامه‌ریزان و مجریان قرار می‌گیرد، نیست. اتخاذ رویکردی ترکیبی به‌طوری که برخی اجزای استاندارد توسط اهداکنندگان تهیه شود و اجزای دیگر توسط ساکنین در محل ساخته شود، می‌تواند هم به بیان هویت فرهنگی و ارزش‌های بومی کمک نماید و هم از تأمین مسکن موقت با استفاده از منابع محلی (مصالح و نیروی کار) حمایت کند. این رویکرد قبلًا در تجربه تأمین مسکن موقت پس از زلزله دوزچه مورداستفاده قرار گرفت (Arslan & Cosgun, 2008).

باید توجه داشت این تغییرات چنانچه توسط بازماندگانی که دانش کافی در زمینه ساخت و ساز ندارند و بدون نظارت کافی به انجام برسد، منجر به افزایش آسیب‌پذیری ساکنین خواهد شد (Wagemann, 2017). اما به هر صورت جهت جلوگیری از تبعات منفی اقتصادی و زیست‌محیطی مسکن موقت، برنامه‌ریزی و تدوین راهبردهایی برای تسهیل انتقال مؤثر مسکن موقت به حیات دوم خود پس از اتمام مقطع ساماندهی ضروری است. در نمونه موردمطالعه گرچه واحدهای تأمین شده جهت استفاده به عنوان فضاهای جانی مانند آشپزخانه و انبار انعطاف‌پذیری داشته، لکن به دلیل فرم دایره‌ای شکل خود تغییرپذیری

رضایتمندی ساکنین از رابطه فضایی مسکن با دیگر عناصر سایت مسکونی، احساس امنیت و محرومیت را به دنبال داشت.

اگرچه اصطلاح کفایت فرهنگی عمدتاً به بیان هویت فرهنگی، تنوع جامعه ذی نفع، نوع مصالح ساخت و سیاست‌های حمایتی اشاره دارد، اما در نظر گرفتن مسکن موقت به عنوان یک کل منسجم که آثار متقابل ابعاد فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و زیستمحیطی را مدنظر قرار دهد، ضرورت دارد. به طوری که تغییر در یک بعد، دیگر ابعاد مسکن موقت و درنتیجه کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصویر شماره ۶، رابطه میان عناصر استنباط شده در این تحقیق در خصوص کفایت فرهنگی مسکن موقت را نشان می‌دهد.

درنهایت تأکید می‌شود، کفایت فرهنگی مسکن موقت تنها از طریق تکرار ساده فرم‌های مسکن بومی حاصل نمی‌شود و باید علاوه بر پاسخ به نیازهای فیزیکی بازماندگان مانند آسایش اقلیمی و ایمنی مسکن، از فرایندی عادلانه برخوردار باشد که امنیت، عزت و کرامت نفس بازماندگان را حفظ نماید.



ت. ۶. تأمین مسکن موقت با رویکرد ارتقای کفایت فرهنگی

یا سازگاری با اجزای الحاقی جدید را نداشته است. گرچه مشارکت ساکنین در فرایند طراحی و اجرا می‌توانست با تسهیم دوطرفه دانش و مهارت میان مجریان و بهره‌برداران، گزینه‌های متنوع‌تری برای استفاده از مسکن موقت یا منابع و اجزای آن پس از مقطع ساماندهی پیش روی ساکنین بگذارد.

جهت تأثیرگذاری راهبردهای یادشده در ارتقای کفایت فرهنگی مسکن موقت، مشارکت جمعی امری ضروری محسوب می‌شود. دخیل ساختن کاربران در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای مسکن موقت، فاصله فرهنگی میان متخصصان و بازماندگان را کاهش می‌دهد و مانع از تصورات نادرست مجریان و برنامه‌ریزان نسبت به شرایط بازماندگان می‌شود. گرچه انجام این موضوع به سادگی میسر نبوده و با پیچیدگی‌های فراوانی رو به رو است. مناسب با شرایط سانحه و جامعه آسیب‌دیده باید مشارکت کنندگان کلیدی در هریک از مراحل ارزیابی، برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و نظارت تعیین شود و مناسب با ظرفیت‌های آنان، سطح و روش مقتضی مشارکت تعیین گردد.

رویکرد مشارکتی نه تنها می‌تواند بهتر به نیازها و انتظارات ساکنین پاسخ دهد، بلکه منجر به افزایش حس تعلق آنان به محیط ساخته شده می‌گردد. در نمونه موردمطالعه عدم مشارکت بازماندگان، یا مشارکت در سطح پایینی چون آگاهی‌دهی و کارگری، فرصت شناخت نیازها، ساختارهای فرهنگی - اجتماعی را از دست داد. درنتیجه مساکن موقت اهدایی کارایی موردنانتظار در پاسخ به نیازهای آسایشی اقلیمی، تناسب با شیوه سکونت خانوارها و امرارمعاش آنها را نداشت. اما در بخش‌هایی چون مکان‌یابی مسکن موقت در سایت، که نظر ساکنین در تصمیم‌سازی دخیل بود،

1. Transitional Settlement
2. multi-phased approach
3. Incremental process
4. Disaster response cycle
5. Transitional shelter
6. Provided shelter
7. Spontaneous shelter
8. Temporary housing ‘second life’
9. Triangulation

۱۰. نگاه کنید به: (خورشیدیان، ۱۳۹۷)

فهرست منابع

- آسیان، یاسمن؛ دیویس، یان. (۱۳۸۵). معماری و برنامه ریزی بازاری. ترجمه فلاحی، علیرضا. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر. (۱۳۷۸). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خورشیدیان، عبدالمجید. (۱۳۹۷). تدوین شکل‌های مقتصی مشارکت اجتماع محلی در فرایند تأمین مسکن دائم پس از زلزله احتمالی؛ مطالعه موردی منطقه سه شهر ساری. صفحه، ۸۷ (سال بیست و نهم زمستان ۹۸)، ۱۲۶-۱۰۹.
- کرسول، جان. (۱۳۹۴). پویش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌گاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.
- Arslan, H., & Cosgun, N. (2008). Reuse and recycle potentials of the temporary houses after occupancy: Example of Duzce, Turkey. *Building and Environment*, 43(5), 702-709.
- Barakat, S. (2003). Housing reconstruction after conflict and disaster. London: Overseas Development Institute.
- Biswas, A. (2019). Exploring Indian post-disaster temporary housing strategy through a comparative. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 10(1), 14-35.
- Bryman, A. (2012). Social Research Methods (Fourth edition). Oxford: Oxford University Press.
- Chang, Y., Wilkinson, S., Potangaroa, R., & Seville, E. (2010). Resourcing challenges for post-disaster housing reconstruction: a comparative analysis. *Building Research & Information*, 38(3), 247-64.
- Davidson, C., Johnson, C., Lizarralde, G., Dikmen, N., & Sliwinski, A. (2007). Truths and Myths about Community Participation in Post-disaster Housing Projects. *Habitat International*, 31(1), 100-115.
- Davidson, C., Lizarralde, G., & Johnson. (2008). Myths and realities of prefabrication for post-disaster reconstruction. 4th i-Rec International Conference ‘Building resilience: achieving effective post-disaster reconstruction. Christchurch, New Zealand.
- Davis, I., & Alexander, D. (2016). Recovery from Disaster. New York: Routledge.
- DFID, & Shelter center. (2010). Shelter after disaster; Strategies for transitional settlement and Reconstruction. Shelter Center, UN.
- EM-DAT. (2022). 2021 Disasters in numbers. Centre for Research on the Epidemiology of Disasters (CRED).
- Félix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Improving Sustainability and Cultural Integration in Post-Disaster Temporary Housing. Sustainable Post-Disaster Reconstruction: From Recovery to Risk Reduction. i-Rec conference 2013.
- Félix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Temporary housing after disasters: A state of the art survey. *Habitat International*, 136-141.
- Félix, D., Monteiro, D., Branco, J. M., Bologna, R., & Feio, A. (2015). The role of temporary accommodation buildings for post-disaster housing reconstruction. *J Hous and the Built Environ*, 30(4), 683-99.
- Arslan, H., & Cosgun, N. (2008). Reuse and recycle potentials of the temporary houses after occupancy: Example of Duzce, Turkey. *Building and Environment*, 43(5), 702-709.
- Barakat, S. (2003). Housing reconstruction after conflict and disaster. London: Overseas Development Institute.
- Biswas, A. (2019). Exploring Indian post-disaster temporary housing strategy through a comparative. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 10(1), 14-35.
- Bryman, A. (2012). Social Research Methods (Fourth edition). Oxford: Oxford University Press.
- Chang, Y., Wilkinson, S., Potangaroa, R., & Seville, E. (2010). Resourcing challenges for post-disaster housing reconstruction: a comparative analysis. *Building Research & Information*, 38(3), 247-64.
- Davidson, C., Johnson, C., Lizarralde, G., Dikmen, N., & Sliwinski, A. (2007). Truths and Myths about Community Participation in Post-disaster Housing Projects. *Habitat International*, 31(1), 100-115.
- Davidson, C., Lizarralde, G., & Johnson. (2008). Myths and realities of prefabrication for post-disaster reconstruction. 4th i-Rec International Conference ‘Building resilience: achieving effective post-disaster reconstruction. Christchurch, New Zealand.
- Davis, I., & Alexander, D. (2016). Recovery from Disaster. New York: Routledge.
- DFID, & Shelter center. (2010). Shelter after disaster; Strategies for transitional settlement and Reconstruction. Shelter Center, UN.
- EM-DAT. (2022). 2021 Disasters in numbers. Centre for Research on the Epidemiology of Disasters (CRED).
- Félix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Improving Sustainability and Cultural Integration in Post-Disaster Temporary Housing. Sustainable Post-Disaster Reconstruction: From Recovery to Risk Reduction. i-Rec conference 2013.
- Félix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Temporary housing after disasters: A state of the art survey. *Habitat International*, 136-141.
- Félix, D., Monteiro, D., Branco, J. M., Bologna, R., & Feio, A. (2015). The role of temporary accommodation buildings for post-disaster housing reconstruction. *J Hous and the Built Environ*, 30(4), 683-99.
- Arslan, H., & Cosgun, N. (2008). Reuse and recycle potentials of the temporary houses after occupancy: Example of Duzce, Turkey. *Building and Environment*, 43(5), 702-709.
- Barakat, S. (2003). Housing reconstruction after conflict and disaster. London: Overseas Development Institute.
- Biswas, A. (2019). Exploring Indian post-disaster temporary housing strategy through a comparative. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 10(1), 14-35.
- Bryman, A. (2012). Social Research Methods (Fourth edition). Oxford: Oxford University Press.
- Chang, Y., Wilkinson, S., Potangaroa, R., & Seville, E. (2010). Resourcing challenges for post-disaster housing reconstruction: a comparative analysis. *Building Research & Information*, 38(3), 247-64.
- Davidson, C., Johnson, C., Lizarralde, G., Dikmen, N., & Sliwinski, A. (2007). Truths and Myths about Community Participation in Post-disaster Housing Projects. *Habitat International*, 31(1), 100-115.
- Davidson, C., Lizarralde, G., & Johnson. (2008). Myths and realities of prefabrication for post-disaster reconstruction. 4th i-Rec International Conference ‘Building resilience: achieving effective post-disaster reconstruction. Christchurch, New Zealand.

- Building Research & Information, 38(3), 247–64.
- Davidson, C., Johnson, C., Lizarralde, G., Dikmen, N., & Sliwinski, A. (2007). Truths and Myths about Community Participation in Post-disaster Housing Projects. *Habitat International*, 31(1), 100-115.
 - Davidson, C., Lizarralde, G., & Johnson. (2008). Myths and realities of prefabrication for post-disaster reconstruction. 4th i-Rec International Conference "Building resilience: achieving effective post-disaster reconstruction. Christchurch, New Zealand.
 - Davis, I., & Alexander, D. (2016). Recovery from Disaster. New York: Routledge.
 - DFID, & Shelter center. (2010). Shelter after disaster; Strategies for transitional settlement and Reconstruction. Shelter Center, UN.
 - EM-DAT. (2022). 2021 Disasters in numbers. Centre for Research on the Epidemiology of Disasters (CRED).
 - Félix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Improving Sustainability and Cultural Integration in Post-Disaster Temporary Housing. Sustainable Post-Disaster Reconstruction: From Recovery to Risk Reduction. i-Rec conference 2013.
 - Félix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Temporary housing after disasters: A state of the art survey. *Habitat International*, 136-141.
 - Félix, D., Monteiro, D., Branco, J. M., Bologna, R., & Feio, A. (2015). The role of temporary accommodation buildings for post-disaster housing reconstruction. *J Hous and the Built Environ*, 30(4), 683–99.
 - Hadafı, F., & Fallahi, A. (2010). Temporary housing respond to disasters in developing. World Academy of, 1536-1542.
 - Hayles, C. S. (2010). An examination of decision making in post-disaster housing reconstruction. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 1(1), 103-122.
 - IFRC, & OCHA. (2015). Shelter after Disaster (second edition). Geneva: International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies.
 - Javanforouzande, A., Asgari Namin, E., Asefi, M., & Shakeri, K. (2020). Explaining the Conceptual Model of the Post-Disaster Sustainable Temporary Housing System (Case Study: Sar-e-Pol Zahab. *Journal of Sustainable Rural Development*, 5(2), 185-200.
 - Jha, A., Barenstein, J., Phelps, P., Pittet, D., & Sena, S. (2010). Safer Homes, Stronger Communities. A Handbook for Reconstruction after Natural Disasters. Washington DC: The World Bank.
 - Johnson, C. (2007). Impacts of prefabricated temporary housing after disasters: 1999 earthquakes in Turkey. *Habitat International*, 36–52.
 - Johnson, C., Lizarralde, G., & Davidson, C. H. (2006). A systems view of temporary housing projects in post-disaster reconstruction. *Construction Management and Economics*, 367–378.
 - Maly, E., & Iwata, T. (2019). The Evolution of Localized Housing Recovery in Japan. IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science.
 - OCHA, ShelterCenter, & DFID. (2008). Transitional settlement and reconstruction after natural disasters (Field Edition). United Nations.
 - Peacock, W. G., Dash, Zhang, Y., & Van Zandt, S. (2017). Post-disaster sheltering, temporary housing and permanent Arslan, H., & Cosgun, N. (2008). Reuse and recycle potentials of the temporary houses after occupancy: Example of Duzce, Turkey. *Building and Environment*, 43(5), 702-709.
 - Barakat, S. (2003). Housing reconstruction after conflict and disaster. London: Overseas Development Institute.
 - Biswas, A. (2019). Exploring Indian post-disaster temporary housing strategy through a comparative. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 10(1), 14-35.
 - Bryman, A. (2012). Social Research Methods (Fourth edition). Oxford: Oxford University Press.
 - Chang, Y., Wilkinson, S., Potangaroa, R., & Seville, E. (2010). Resourcing challenges for post-disaster housing reconstruction: a comparative analysis.

- settlement and reconstruction after natural disasters (Field Edition). United Nations.
- Peacock, W. G., Dash, Zhang, Y., & Van Zandt, S. (2017). Post-disaster sheltering, temporary housing and permanent housing recovery. *Handbook of Disaster Research*, 569-594.
 - Quarantelli, E. L. (1995). Patterns of sheltering and housing in US disasters. *Disaster Prevention Management*, 4(3), 43–53.
 - Rafieian , M., & Asgary, A. (2013). Impacts of temporary housing on housing reconstruction after the Bam earthquake. *Disaster Prevention and Management*.
 - Rathnasinghe, A., Sirimewan, D., Shandraseharan, A., Thurairajah, N., Thayaparan, M., & Waidyasekara, K. (2021). Towards long-term sustainable performance of post-disaster housing reconstruction: Second life for temporary housing. In Y. G. Sandanayake, S. Gunatilake, & K. Waidyasekara (Ed.), *Proceedings of the 9th World Construction Symposium*, (pp. 540-552). Sri Lanka.
 - Sheltercenter, & DFID. (2012). Transitional shelter guidelines. Geneva: Shelter Centre.
 - Sukhwani, V., Napitupulu, H., Jingnan, D., Yamaji, M., & Shaw, R. (2021). Enhancing cultural adequacy in post-disaster temporary housing. *Progress in Disaster Science*, 1-10.
 - UNDRO. (1982). *Shelter after disaster*. New York: United Nations.
 - UNHABITAT. (2014). *The Right to Adequate Housing; Fact Sheet No. 21/Rev.1*. Gneva: United Nations. Retrieved 5 5, 2022
 - UNHCR. (2007). *Handbook for Emergencies*. Geneva: The United Nations.
 - UN-OCHA. (2006). Exploring key changes and developments in post disaster settlement, shelter and housing, 1982- 2006: Scoping study to inform the revision of 'Shelter after Disaster: Guidelines for Assistance'. United Nations.
 - Wagemann, E. (2017). Need for adaption: transformation of temporary houses. *Disasters*, 41(4), 828-851.

DOI: 10.22034/42.181.59